

اعتبار گزارش اصلاحی

حمید ابهری*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

حسین کاویار

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۵/۶)

چکیده

به موجب ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه پس از حصول سازش میان طرفین ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند. لیکن قانون در خصوص اینکه «آیا گزارش اصلاحی دارای اعتبار امر مختومه است یا خیر» ساکت است. از طرفی، اعتبار امر مختومه یکی از آثار احکام دادگاه است. بنابراین، اگر گزارش اصلاحی را حکم بدانیم، لاجرم اعتبار امر مختومه شامل آن خواهد شد. لیکن نظریات مخالفی نیز وجود دارد: گروهی معتقدند که گزارش اصلاحی ماهیت قرارداد صلح را دارد؛ در این صورت، چنین گزارشی فقط می‌تواند مطابق قواعد عمومی قراردادها، موضوع دعوی ابطال، فسخ یا اقاله قرار گیرد. عده‌ای بر این باورند که گزارش اصلاحی حکم محسوب شده، مانند احکام دیگر مشمول اعتبار امر مختومه است. گروهی معتقدند که گزارش اصلاحی، قرار سقوط دعوی است. به نظر آنان این گزارش از اعتبار امر مختومه برخوردار است. دسته‌ای دیگر اعتقاد دارند که گزارش اصلاحی یک تصمیم حسبی است که فاقد اعتبار امر مختومه است. به نظر نگارندگان این مقاله، صدور گزارش اصلاحی ممکن است در دو حالت مختلف صورت گیرد که در هر یک از این دو حالت، ائتصاف عنوان اعتبار امر مختومه متفاوت است.

واژگان کلیدی

اعتبار امر قضاوت شده، تصمیم حسبی، حکم، صلح، قرار سقوط دعوی، گزارش اصلاحی.

۱. طرح بحث

مطابق بند ۶ ماده ۸۴ ق.آ.د.م، چنانچه دعوی طرح شده از نظر وحدت موضوع سابقاً میان همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد، دادگاه دوباره وارد رسیدگی ماهوی نخواهد شد و بر اساس قاعده اعتبار امر قضاوت شده باید نسبت به صدور قرار ردّ دعوا اقدام کند.

اعتبار قضیه محکوم به از آثار احکام دادگاهها عبارت است از اموری که در حکم دادگاه اخبار شده و حقوقی که در آن تصدیق گردیده، ثابت و تغییرناپذیر است؛ حتی دادگاه صادرکننده حکم نمی تواند از آن عدول کند، مگر اینکه قانون به صراحت [از راه شکایت عادی یا فوق العاده] اجازه داده باشد (متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۵). قاعده اعتبار امر مختومه یا قاعده اعتبار امر قضاوت شده^۱ یکی از قواعد بنیادین دادرسی است. اهمیت این قاعده تا آنجاست که عده ای آن را در کنار اصل رعایت حقوق دفاعی یکی از دو مبنای اجرای درست عدالت می دانند (نک: غمامی و محسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷؛ افتخار جهرمی و شهبازی نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۸-۲۷). مبنای اساس اعتبار امر قضاوت شده را از نظر ضرورت های اجتماعی می توان در دو هدف خلاصه کرد: جلوگیری از تجدید دعوی و احتراز از صدور احکام متعارض (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۳). علمای حقوق در این عقیده متفق اند که نفع اجتماعی اقتضا دارد آرای محاکم در خصوص دعوی طرح شده نزد آنها، نمایان کننده حقیقت باشد. در قوانین برای حکمی که در یک مرحله صادر می شود، شکایت در مرحله دیگری پیش بینی شده است؛ ولی وقتی این مراحل طی شد، احکام دادگاه از هرگونه تعرضی باید مصون باشند. بنابراین، مقصود از آنکه تصمیمات قضایی دارای اعتبار امر مختومه می باشند، این است که طرفین یک دعوی مختومه نمی توانند دوباره نسبت به آنچه درباره آن قضاوت قطعی انجام شده است، تجدید دعوی کنند. بنابراین، امر مختومه قضایی دارای دو خاصیت است:

اول، خاصیت منفی. محکوم علیه نمی تواند دعوی جدیدی برای به دست آوردن مستقیم یا غیرمستقیم چیزی اقامه کند که بار اول نسبت به آن بی حق شناخته شده است.

دوم، خاصیت مثبت. شخصی که حقتش به وسیله یک تصمیم قضایی برقرار شده است، از تمام مزایایی که به آن تعلق می گیرد می تواند استفاده کند؛ به ویژه اینکه اگر بعدها دعوی میان همان اشخاص و به همان دلیل واقع شود، چنین دعوی مسموع نخواهد بود (خلعتبری، ۱۳۵۰، ص ۶-۴).

اعتبار امر قضاوت شده از اوصاف تصمیمات قضایی است. تصمیمی که دادگاه در راه تمیز حق می گیرد و با آن اختلاف را فیصله می دهد بی تردید از اعتبار امر مختومه برخوردار است.

1. autorité de la chose jugée (*Fr*); Collateral Estoppel Doctrine (*En*).

یکی از حقوق دانان معتقد است: «رابطه این تصمیم و اعتبار یادشده به گونه‌ای است که می‌توان آن دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵). پس اعتبار امر مختومه بدون هیچ اختلاف نظری در خصوص احکام دادگاه‌ها جاری است. اما دربارهٔ قرارها، هرچند بند ۶ ماده ۸۴ از آن سخن نگفته است، لیکن برخی حقوق دانان معتقدند که از این مسامحه در تعبیر نباید استفاده کرد که به نظر قانون‌گذار ما، قرارهای قطعی دادگاه از اعتبار امر مختوم برخوردار نمی‌شوند (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵). در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که علی‌الاصول قرارهای قاطع، اعتبار امر مختومه را ندارد (نک: ابهری، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مهاجری، ۱۳۹۱، ص ۲۴۰).^۱ فارغ از این اختلاف‌نظرها که تحلیل آن مجال دیگری می‌طلبد، هدف این پژوهش آن است که به این پرسش پاسخ دهد که گزارش اصلاحی چه اعتباری دارد و آیا گزارش یادشده که دادگاه مطابق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م. مبادرت به صدور آن می‌نماید، مشمول ایراد امر مختومه خواهد شد یا خیر؟ اما پیش از ورود به میدان اختلاف نظریات، لازم است مفهوم گزارش اصلاحی دانسته شود.

۲. مفهوم گزارش اصلاحی

در هر مرحله از دادرسی مدنی، طرفین می‌توانند دعوای خود را از طریق سازش خاتمه دهند (ماده ۱۷۸ ق.آ.د.م). دادگاه پس از حصول سازش میان طرفین رسیدگی را ختم، و به صدور گزارشی به نام «گزارش اصلاحی» مبادرت می‌کند. مفاد این سازش‌نامه نسبت به طرفین و وراث و قائم‌مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه‌ها به اجرا گذاشته می‌شود (ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م؛ همچنین ر.ک. ماده ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف).

با جمع مواد مبحث اول و دوم از فصل نهم از باب سوم ق.آ.د.م (مواد ۱۹۳-۱۷۸) و نیز قانون شوراهای حل اختلاف (مواد ۸ و ۲۵ و ۳۰) ملاحظه می‌شود که صدور گزارش اصلاحی در دو حالت ممکن است:

۱. هرچند در میان همین حقوق دانان، گروهی معتقدند که از بین قرارهای قاطع فقط قرار سقوط دعوا اعتبار امر مختومه را دارد (مهاجری، ۱۳۹۱، ص ۲۴۰؛ حسینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۶) و برخی دیگر معتقدند هیچ قراری حتی قرار سقوط دعوی اعتبار امر مختوم را ندارد (ابهری، ۱۳۹۱). آنچه از توجه به بند ۶ ماده ۸۴ استنباط می‌شود این است که اگر در دعوایی حکم قطعی صادر شده باشد، آن دعوا از اعتبار امر مختومه برخوردار است و دوباره نمی‌توان دعوای یادشده را مطرح کرد. لیکن چنانچه در دعوا قرار صادر شده باشد، دعوا از امر مختومه برخوردار نیست و می‌توان دوباره دعوا را مطرح کرد. از این حیث قانون‌گذار تفاوتی میان قرارها قائل نشده است. رویهٔ محاکم نیز برای قرارها اعتبار امر مختومه قائل نیست. برای نمونه، در پرونده‌ای، با ایراد شکلی مطروحه از سوی وکیل خوانده در جلسهٔ اول دادرسی، قرار رد دعوی صادر شده است. آن دعوی دوباره طرح شده و باز دارای ایراد شکلی بوده و دادگاه مجدداً قرار رد دعوی صادر کرده است (نک: ابهری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۷).

نخست، صدور گزارش اصلاحی قبل از طرح دعوی. بدون لزوم وجود سبق طرح دعوی، هرکس می‌تواند کتبی و در خصوص هر ادعایی، ابتدا، از دادگاه نخستین درخواست کند که طرف او برای سازش دعوت شود (ماده ۱۸۶ ق.آ.د.م.). در این صورت، با حصول سازش میان آنان، دادگاه بر اساس توافق حاصله گزارش اصلاحی صادر می‌کند.

دوم، صدور گزارش اصلاحی در اثنای رسیدگی. در اثنای رسیدگی، سازش به دو روش انجام می‌شود:

- در خارج از دادگاه و حسب مورد با تنظیم سند رسمی و یا سند عادی همراه است. در این فرض، در صورت اول (رسمی بودن سازش‌نامه) دادگاه ختم رسیدگی را به موجب سازش موجود در پرونده اعلام می‌کند و اجرای مفاد سازش‌نامه رسمی تابع اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود (ماده ۱۸۱ ق.آ.د.م.) و در صورت دوم (عادی بودن سازش‌نامه) باید طرفین در دادگاه حاضر شده، بر صحت آن اقرار نمایند و با احراز اصالت سند، موضوع صلح به ترتیب پیش‌گفته، بر مبنای توافق‌های انجام‌شده، گزارش اصلاحی صادر می‌شود (ماده ۱۸۳).
- سازش در دادگاه یا نزد قاضی عضو مجری قرار انجام می‌شود که در این شکل نیز با انعکاس مراتب در صورت‌مجلس رسمی دادگاه یا قرار و امضای آن به‌وسیلهٔ اصحاب دعوی و دادرس، ختم رسیدگی اعلام می‌گردد.

۳. تحریر محل اختلاف

بعد از تمهیدات پیش‌گفته، به پرسش اصلی برمی‌گردیم: آیا گزارش اصلاحی دارای اعتبار امر مختومه است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش کاربردی و بنیادین، وابسته به تعیین ماهیت حقوقی گزارش اصلاحی است.

در خصوص ماهیت گزارش اصلاحی چهار دیدگاه وجود دارد:

- گروهی معتقدند که گزارش اصلاحی، قرارداد صلح است و از خصوصیات امور قضایی برخوردار نیست تا اعتبار امر مختومه را پیدا کند.
- عده‌ای بر این باورند که گزارش اصلاحی حکم محسوب شده، مانند احکام دیگر مشمول اعتبار امر مختومه است.
- گروهی دیگر معتقدند که گزارش اصلاحی قرار سقوط دعوی است.
- دسته‌ای نیز بر این باورند که عمل دادگاه در صدور گزارش اصلاحی، عمل قضایی نیست، بلکه جنبهٔ حسبی دارد و لذا فاقد اعتبار امر مختومه است.

در ادامه به تحلیل هریک از این چهار نظریه می‌پردازیم و در پایان، نظر مختار خویش را تبیین می‌کنیم.

۴. نظریه نخست: گزارش اصلاحی - صلح

گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که گزارش اصلاحی ماهیت قرارداد صلح را دارد. در اینجا به تحلیل و بررسی این دیدگاه می‌پردازیم:

۴.۱. استدلال قائلان به قراردادی بودن گزارش اصلاحی

کاتوزیان می‌گوید: «تنظیم گزارش اصلاحی از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی [در قالب عقد صلح] است و اعتبار و اثر آن، تابع قواعد عمومی قانون مدنی است. بنابراین اگر ایجاب این سازش نزد دادرس واقع شود، پیش از قبول طرف دیگر اثر حقوقی ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹). همچنین وی در کتابی دیگر به نقل از پلنیول و ریپر و کولن و کاپیتان، بیان می‌کند که صلح طرفین در گزارش اصلاحی دادگاه منعکس می‌شود و مانند احکام دادگاه‌ها اجرا خواهد شد؛ بدون اینکه از حیث آثار و اعتبار، حکم به‌شمار آید (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۳). کاتوزیان از این تحلیل چنین نتیجه می‌گیرد که گزارش اصلاحی از اعتبار امر قضاوت‌شده برخوردار نیست و طرفین سازش در عین احترام به مفاد قرارداد می‌توانند ابطال آن را به سبب مخالفت با نظم عمومی یا اشتباه یا اکراه از دادگاه بخواهند و همچنین حق دارند فسخ سازش را به سبب تدلیس و عیب تقاضا کنند^۱ (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹).

شمس معتقد است که گزارش اصلاحی ماهیت عقد صلح را دارد و از خصوصیت قضاوتی برخوردار نیست تا اعتبار امر مختومه را پیدا کند. به اعتقاد وی، دادگاه در تنظیم گزارش

۱. به موجب ماده ۷۶۱ ق.م. «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر مسامحه باشد قاطع بین طرفین است و هیچ‌یک نمی‌تواند آن را فسخ کند، اگرچه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار». لذا اگر ماهیت گزارش اصلاحی را عقد صلح بدانیم، اعمال پاره‌ای از خیار با این گزارش منافی است. مؤلف مفتاح‌الکرامه پس از نقل اختلاف آرا در این باب نتیجه می‌گیرد که برخی از فقها خیار شرط را در صلح دعاوی قبول ندارند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۱۲): «قال فی المَهْدَبِ البارع: یثبت فیهِ خیار الشرط إجماعاً. قلت: قد نفاه عنه الشیخ فی المبسوط لکن المشهور ثبوته فیهِ كما تقدم فی البیع. و فی التحریر و جامع المقاصد أنه لا یجری فی الصلح الّذی یفید الإبراء. و قال فی المَهْدَبِ البارع: إنّه لا یثبت فیهِ خیار الغبن و لا المجلس. و قد یظهر ذلك - أی عدم ثبوت خیار الغبن فیهِ - من الوسیله و التحریر و غیرهما و أمّا عدم جریان خیار المجلس فیهِ فمما لا ریب فیهِ و استشكل فی المقتصر فی ثبوت خیار الغبن فیهِ ثم استظهر العدم. و قال فخر الإسلام و الشهد فی الدروس و المقداد و القطیفی و الصیمری: إنّه یثبت فیهِ خیار الغبن، كما سلف فی باب البیع و لعلّ الأولى أن یقال: إن وقع علی معاوضه دخله خیار الشرط، و إن وقع علی إسقاط الدعوی قبل ثبوتها لم یثبت فیهِ خیار الشرط، لأنّه شرعاً لقطع المنازعه، و اشتراط التأخیر یعود بالخصومه فکان منافیاً لمشروعیته، فتأمل جیداً».

اصلاحی نقش یک سردفتر اسناد رسمی را دارد که قرارداد طرفین را تثبیت می‌کند (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۱۲-۵۱۱؛ شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۹).

جعفری لنگرودی نیز در چندین کتاب خود، ماهیت گزارش اصلاحی را عقد صلح می‌داند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ج ۵۸۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۰۷۴). وی در *دانشنامه حقوقی* چنین مرقوم می‌دارد: «گزارش اصلاحی نوشته‌ای مرکب از دو جزء است:

قسمت اول که جنبه گزارش یعنی اخبار از تصمیم دو طرف دارد. این گزارش به‌طور اختصار از حضور طرفین و آمادگی آن‌ها برای مذاکرات اصلاحی و تمایل آنان به انعقاد عقد صلح حکایت دارد.

قسمت دوم گزارش اصلاحی به‌طور صریح عبارت است از عقد صلح که در ماده ۷۵۲ ق.م. دیده می‌شود. در این عقد، معمولاً تمام یا قسمتی از دعوی اسقاط می‌شود و ممکن است معوض و یا بلاعوض باشد. به‌هرحال، گزارش اصلاحی موضوع دعوی را منتفی می‌گرداند، یعنی مجال برای انشاء رأی و فصل خصومت باقی نمی‌گذارد و به همین جهت حکم تمیزی شماره ۳۱۱ مورخ ۱۳۲۶/۱/۲۶ درخواست تصحیح گزارش اصلاحی را منع کرده است؛ زیرا عنوان تصحیح حکم در این مورد معنی ندارد، برای اینکه در مورد گزارش اصلاحی رأی به معنی واقعی آن دیده نمی‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۱).

به نظر طرف‌داران صلح‌بودن گزارش اصلاحی، با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، سازش به ترتیب واقع‌شده میان طرفین، صورت‌مجلس و منعکس می‌گردد و به امضای دادرس و طرفین می‌رسد؛ زیرا با اراده و توافق طرفین تنظیم شده است و الزامات قانونی و یا دادرس دادگاه نقشی در کیفیت وقوع مصالحه نداشته، بلکه صرفاً با سعی در اصلاح ذات‌البین آنچه را که اراده طرفین بر آن واقع شده است، به‌عنوان گزارش اصلاحی صادر می‌نماید. بنابراین گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار؛ چراکه در متن ماده ۱۸۴، قانون‌گذار از حیث اجرایی گزارش اصلاحی را مانند احکام دادگاه‌ها دانسته که خود بیانگر این امر است که گزارش اصلاحی چیزی غیر از احکام دادگاه‌ها می‌باشد. لذا دعوای وخواهی هم نسبت به گزارش اصلاحی قابل پذیرش نیست.

برخی دیگر از حقوق‌دانان، با استدلال دیگری گزارش اصلاحی را عمل قضایی نمی‌دانند. آن‌ها معتقدند که مرجع قضایی نهاد ثالثی است که درباره یک اختلاف حقوقی با اعمال و اجرای قوانین ماهوی و شکلی، به‌طور معین تصمیم‌گیری قاطع می‌کند. ازاین‌رو، حل اختلافی که خود طرفین مبادرت به صلح و سازش کنند، عمل قضایی نیست؛ اگرچه این سازش در دادگاه و تحت نظر قاضی صورت گیرد. چنین سازشی حتی اگر در قالب گزارش اصلاحی

تنظیم شود، از راه عادی یا فوق‌العاده، قابل شکایت در مرجع بالاتر نیست و ذی‌نفع می‌تواند ابطال آن را همانند دیگر اعمال حقوقی درخواست کند (محسنی، ۱۳۹۱، ص ۵۵۶-۵۵۴).

در این خصوص اداره حقوقی طی نظریه ۱۳۸۲/۸/۱۳-۷/۲۰۶۷ بیان داشته است: «در گزارش اصلاحی، قاضی دادگاه اظهارات طرفین و توافق آنان را مبنای اصدار سازش‌نامه قرار می‌دهد و جز انعکاس نظر طرفین اقدام دیگری نمی‌کند و به همین جهت به گزارش اصلاحی، حکم دادگاه اطلاق نمی‌شود بلکه همان‌طور که مقنن در ماده ۱۸۴ در مقام اجرای آن تصریح نموده است که مفاد سازش‌نامه مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجراء گذاشته می‌شود». اگر گزارش اصلاحی حکم می‌بود، ضرورت نداشت تا قانون‌گذار به کلمه «مانند» متوسل شود. بنابراین، گزارش اصلاحی یک توافق‌نامه بوده و دارای خصیصه توافقی است (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰).

کمیسیون تخصصی معاونت آموزش قوه قضائیه در نشست قضایی آذرشهر به تاریخ دی ۱۳۷۹، پس از اینکه نظریه اکثریت را به شرح زیر شنیده است: «نفوذ گزارش اصلاحی در خصوص طرفین و وراثت و قائم‌مقام قانونی آن‌ها، وفق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م. دلالت بر داشتن اعتبار امر مختومه به گزارش اصلاحی بوده و با توجه به اینکه در صورت عدم ترتب اعتبار امر مختومه به گزارش اصلاحی چنین امری موجب اختلال نظم قضایی است، لهذا گزارش اصلاحی مزبور از اعتبار امر مختومه برخوردار می‌باشد»، برخلاف نظریه اکثریت و با پذیرش نظر اقلیت چنین اظهار نظر کرده است: «حسب دکتترین حقوقی، اختلاف اصحاب دعوی که به صلح خاتمه یافته و این قرارداد از آن حیث که به وسیله دادگاه تنظیم می‌گردد و از نظر شکل و صورت، شبیه رأی می‌باشد، قرارداد قضایی بوده که اصطلاحاً گزارش اصلاحی نامیده می‌شود. گزارش اصلاحی از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است و مؤید آن ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که به لحاظ عدم قبول ایجاب، گذشت‌های واقعه فاقد اثر می‌باشد. لهذا به خاطر اینکه تصمیم گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست، از اعتبار امر مختومه برخوردار نبوده و طرفین سازش درعین حال که مانند سایر متعاقدين باید مفاد قرارداد را محترم بشمارند، می‌توانند ابطال آن را هم به سبب مخالفت با نظم عمومی یا اشتباه و اکراه از دادگاه بخواهند و با توجه به ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م. فقط گزارش اصلاحی، مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود و این امر دلالت بر داشتن اعتبار امر مختوم بر گزارش اصلاحی ندارد که قراردادها نیز وفق مقررات قانون مدنی لازم‌الاجرا است» (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰-۱۴۹؛ همچنین نک: زراعت، ۱۳۸۵، ص ۶۰۳-۶۰۲؛ حیاتی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۲؛ حیاتی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۹۳-۱۹۲).

۲.۴. نقد نظریه

بر نظریه قراردادی بودن گزارش اصلاحی انتقاداتی به شرح زیر وارد است:

اول، باید میان ظاهر گزارش اصلاحی و مدلول آن تمایز قائل شد. بی تردید مدلول گزارش اصلاحی حاوی عقد صلح است، اما ظاهر آن یک تصمیم قضایی است. گزارش اصلاحی همانند دیگر تصمیمات قضایی ممکن است دارای مقدمه، اسباب موجهه و منطوق باشد. لذا اینکه منطوق گزارش اصلاحی عقد صلح باشد، آن را از عنوان تصمیم قضایی خارج نمی‌کند؛ بنابراین، گزارش اصلاحی در همه مصادیق قرارداد نیست.

دوم، به موجب ماده ۲۵ قانون شوراها حل اختلاف، گزارش اصلاحی «پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود، در غیر این صورت، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس منعکس و مراتب به مراجع قضایی صالح اعلام می‌شود». این درحالی است که اگر گزارش اصلاحی صرفاً یک قرارداد صلح باشد، نیازی به ابلاغ به طرفین طی تشریفات خاص نیست. برگ‌هایی که مشمول تشریفات ابلاغ مقرر در قانون هستند، باید در مواد قانون تصریح شده باشند (نک: شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۱). در هیچ قانونی، منصوص نیست که قرارداد میان طرفین باید به طرفین ابلاغ شود. اصل بر رضایی بودن قراردادهاست و قرارداد به صرف ایجاب و قبول منعقد می‌شود.

سوم، به موجب ماده ۳۰ قانون اخیر «گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است». درست است که عقد صلح به موجب مواد ۷۶۰ و ۷۶۱ ق.م.ا. عقدی لازم است، ولی استفاده قانون‌گذار از اصطلاح «اعتراض» و «قطعی» در خصوص گزارش اصلاحی با ماهیت قراردادی بودن آن منافات دارد. اگر بنای قانون‌گذار بر این بود که گزارش اصلاحی صرفاً یک قرارداد صلح است، باید در ماده ۳۰ قانون شوراها عبارتی با مضمون ماده ۷۶۱ ق.م.ا. منصوص می‌کرد یا در این باره ساکت می‌بود و در مقام سکوت، عمومات قانون مدنی در خصوص عقد صلح جوابگو می‌باشد.

ماده ۲۰۵۲ کد مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «صلح واقع شده بین طرفین، همانند حکم قطعی دادگاه، اعتبار امر مختومه دارد»^۱. به نظر می‌رسد نتیجه استفاده قانون‌گذار مدنی ایران از کد

۱. ماده ۷۶۰: «صلح عقد لازم است اگرچه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد و برهم نمی‌خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله». ماده ۷۶۱: «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد، قاطع بین طرفین است و هیچ‌یک نمی‌تواند آن را فسخ کند اگرچه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار».

2. "Les transactions ont, entre les parties, l'autorité de la chose jugée en dernier resort" (Fr).
"Compromises have, between the parties, the authority of res judicata of a final judgment" (En).

مدنی فرانسه همراه با سابقه بحث در فقه^۱، دو ماده ۷۶۰ و ۷۶۱ ق.م. است که از اصطلاح درست و مناسب‌تری نسبت به قانون‌گذار فرانسوی استفاده کرده است. بنابراین، نظریه نخست و تبیین ماهیت گزارش اصلاحی صرفاً بر اساس قرارداد صلح مخدوش است. به نظر می‌رسد باید تأمل بیشتری در خصوص ماهیت گزارش اصلاحی داشت که در ادامه به تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۵. نظریه دوم: گزارش اصلاحی - حکم

نظریه دیگر گزارش اصلاحی را تصمیم قضایی در قالب حکم می‌داند. در اینجا به تحلیل و بررسی این دیدگاه می‌پردازیم:

۵.۱. استدلال قائلان به حکم بودن گزارش اصلاحی

شعبه چهار دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۴۸۴ به تاریخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۶ مقرر می‌دارد: «اگر در خارج دادگاه صلحی که قاطع دعوی باشد، اتفاق افتد و طرفین در وقوع آن صلح با هم اختلاف کنند، دادگاه رسیدگی می‌کند و اگر وقوع صلح را محرز بداند، حکم اعلامی به وقوع عقد صلح مزبور خواهد داد و این یک حکم است و نه یک گزارش اصلاحی» (به نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۲). برخی از مصنفان حقوق معتقدند که «بعید نیست منظور قانون‌گذار از گزارش اصلاحی، گزارش اصلاح به عمل آمده بین طرفین در قالب رأی توسط دادگاه بوده باشد نه اینکه مفاد سازش‌نامه دقیقاً در گزارش اصلاحی قید شود» (به نقل از زارعت، ۱۳۸۵، ص ۶۰۱). در این گفته، گزارش اصلاحی، رأی دانسته شده است. همچنین شعبه پنج دادگاه استان که طی رأی شماره ۶۵۴۲ در تاریخ ۱۳۳۸/۱۲/۱۱ به تأیید هیئت عمومی دیوان عالی کشور رسیده است، چنین مقرر می‌دارد: «چون گزارش اصلاحی هم از نظر آثار مانند احکام است و در واقع موجب ختم کار و فصل دعاوی می‌باشد، به نظر این دادگاه مشمول مقررات بند چهارم ماده ۱۹۸ [بند ۶ ماده ۸۴ کنونی] بوده و قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشد» (به نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۳). طبق این رأی دیوان، گزارش اصلاحی حکم است و اعتبار امر مختومه دارد.^۲

۳. در فقه، فقها این گونه بیان می‌کنند: «الصلح و هو عقد شرع لقطع التجاذب. الأصل فی عقد الصلح أنه موضوع لقطع التجاذب و التنازع بین المتخاصمین» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۹۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۵۹).

۲. باید یادآور شد که در این موضوع که گزارش اصلاحی مانند احکام دادگاه‌ها به اجرا گذاشته می‌شود، هیچ اختلافی وجود ندارد (به استناد نص ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م.). به موجب نظریه مشورتی شماره ۱۳۷۸/۷/۱۴۷/۴۳۸۱ اداره حقوقی قوه قضائیه: «چون مفاد صلح‌نامه واقع بین طرفین طبق ماده ۶۳۰ (ماده ۱۸۴ کنونی) مانند احکام دادگاه‌های دادگستری قابل اجراست لذا از این حیث مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و تبصره آن خواهد بود».

رویه قضایی نظر پیش گفته را تقویت می کند، چنان که برابر رأی تمیزی شماره ۸۸۴ به تاریخ ۱۳۱۰/۷/۸ دیوان عالی تمیز: «دعوی که به صلح خاتمه یافته است و منتهی به صدور حکم شده باشد، اگر مجدداً اقامه شود محکمه بدون اینکه وارد ماهیت دعوی شود، قرار ردّ دعوی را خواهد داد».

دادگاه عالی انتظامی قضات نیز در دادنامه شماره ۳۱۸ به تاریخ ۱۳۸۲/۸/۱۰ گزارش اصلاحی را حکم می داند: «با توجه به محتویات پرونده و کیفیت استدلال دادگاه در متن دادنامه خود، اقدامات آقای... رئیس شعبه... دادگاه عمومی تهران در جهت احقاق حق خواهان بوده، اما ایشان بدون توجه به این نکته که گزارش اصلاحی به منزله حکم است و شعبه هم عرض نمی تواند آن را نقض کند رأی داده است، فلذا مستنداً به ماده ۱۴ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به توبیخ کتبی با درج در ورقه خدمتی محکوم می گردد. در سایر موارد با توجه به عدم صلاحیت نامبرده در نقض گزارش اصلاحی صالح به اظهار نظر نبوده است. فلذا تخلف مستقل دیگری، صورت نگرفته و تبرئه می شود» (<http://www.ghazavat.com/file/20/File.htm>).

استدلال دیگری که طرفداران این دیدگاه قائل به آن هستند، این است که ذی نفع گزارش اصلاحی، مانند اجرای احکام دادگستری می تواند با تمسک به ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی (۱۳۵۶) صدور اجرائیه را خواستار شود. لذا دریافت حق الاجرا هم و جاهت قانونی دارد و چنانچه مورد تعهد و سازش، کلاً معلوم باشد، باید نسبت به کل آن و نیم عشر اجرایی، یکجا اجرائیه صادر گردد (مستنبط از نظریه مشورتی شماره ۷/۴۵۸۷ به تاریخ ۱۳۷۹/۶/۵ اداره حقوقی قوه قضا). هرچند با صدور گزارش اصلاحی، عناوین محکوم له و محکوم علیه قابل صدق نیست، باین همه رویه محاکم بر این قرار گرفته است که هریک از طرفین موضوع گزارش می توانند برابر ماده ۲ ق.ا.م، مانند دیگر احکام دادگستری اجرای مفاد گزارش یادشده را از دادگاه درخواست نمایند (اسدی و شکری، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶). نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۴۶ به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۷ اداره حقوقی قوه قضا نیز همین تئوری را بیان می کند: «چون گزارش اصلاحی مانند احکام قطعی به موقع اجرا گذاشته می شود، لذا مورد از مصادیق قضیه مختومه تلقی می شود».

۲.۵. نقد نظریه

این نظر به طور مطلق قابل پذیرش نیست؛ یعنی نمی توان گفت گزارش اصلاحی در همه مصادیق حکم است به دلایل زیر:

اول، اگر گزارش اصلاحی حکم می‌بود، ضرورت نداشت تا قانون‌گذار به کلمه «مانند» در ماده ۱۸۴ متوسل شود.

دوم، گزارش اصلاحی در همه مصادیق حکم نیست. به موجب ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م. «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوی و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم نامیده می‌شود»؛ بنابراین، یکی از عناصر حکم وجود اختلافی است که به‌موجب آن حل و فصل گردد. در واقع، حکم نتیجه دعوی است؛ یعنی تا دعوی در محکمه طرح نشده باشد، صدور حکم بی‌معنا خواهد بود. اما همان‌طور که در ماده ۱۸۶ ق.آ.د.م. آمده است، گزارش اصلاحی همیشه مسبوق به طرح دعوی نیست. به موجب این ماده، بنا به درخواست خواهان از دادگاه مبنی بر دعوت طرف مقابل به سازش، دادگاه بدون اینکه لزوماً دعوی نزد او مطرح باشد، گزارش اصلاحی صادر می‌کند.

سوم، حکم حتماً باید در خصوص ماهیت دعوی باشد. منظور از ماهیت دعوی آن است که قاضی به دلایل استنادی طرفین رسیدگی کرده، پس از ارزیابی دلایل استنادی آن‌ها، رأی که صادر می‌کند حکم خواهد بود (بهی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۴). «ماهیت دعوی به تمام مسائلی گفته می‌شود که مربوط به امور حکمی نبوده و در ارتباط با امور موضوعی و برای روشن شدن و حل آن، مورد رسیدگی، احراز و دستور دادگاه قرار می‌گیرد» (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۰۲). این درحالی است که گزارش اصلاحی گاهی انعکاس توافق طرفین است؛ بدون ورود دادرسی در ماهیت دعوی.

چهارم، حکم همیشه از طرف دادگاه صادر می‌شود (بهی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۸)، ولی گاهی گزارش اصلاحی را غیردادگاه نیز صادر می‌کند؛ چنان‌که در ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)، قانون‌گذار مراکز مشاوره خانواده را مجاز کرده است در صورت حصول سازش میان زوجین، به تنظیم سازش‌نامه مبادرت کنند.^۱

۶. نظریه سوم: گزارش اصلاحی - قرار سقوط دعوی

نظریه دیگر گزارش اصلاحی را تصمیم قضایی در قالب قرار سقوط دعوی می‌داند. در اینجا به تحلیل و بررسی این دیدگاه می‌پردازیم:

۱. البته در نشست قضایی دادگستری تبریز (دی ۱۳۸۱) در پاسخ به این پرسش که آیا مدیر دفتر دادگاه می‌تواند سازش‌نامه تنظیم کند یا تنظیم سازش از سوی قاضی موضوعیت دارد؟ به اتفاق چنین پاسخ داده شد که سازش‌نامه تنظیم شده در دادگاه و دفاتر اسناد رسمی دارای ارزش بوده و به رسمیت شناختن سازش‌نامه تنظیمی در جریان اجرای قرار موضوع ماده ۱۸۲ استثنای حکم کلی بوده و در استثنا باید به قدر متیقن اکتفا کرد. نتیجه اینکه سازش‌نامه تنظیمی مدیر دفتر دادگاه اعتباری ندارد. لذا سازش‌نامه از سوی قاضی مجری قرار موضوعیت دارد.

۶.۱. استدلال قائلان به قرار سقوط دعوی بودن گزارش اصلاحی

یکی از نویسندگان حقوقی معتقد است که صلح دعوی، اسقاط حق طرح دعوی یا دعاوی معین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۹۴۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۵-۱۷۱). اگر قائل به این نظر باشیم با سازش طرفین، دادگاه باید قرار سقوط دعوی صادر کند. چنان که شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۴۸۴ به تاریخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۶ چنین حکم کرد: «هرگاه دادگاه بدوی پس از رسیدگی، صلح واقع مابین وکلای طرفین دعوی را محرز و قاطع دعوی دانسته و رأی به خاتمه یافتن دعوی به صلح و اجرای مفاد آن در حق طرفین بدهد، رأی مزبور اگر حکم نباشد، قرار سقوط دعوی محسوب است که مطابق ماده ۸ قانون تسریع [محاكمات (۱۳۰۹)]، قابل پژوهش خواهد بود» (به نقل از: ضیاء، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶).

در ادامه باید ببینیم که آیا گزارش اصلاحی همان قرار سقوط دعوی است که مشمول اعتبار امر مختومه شود یا خیر.

۶.۲. نقد نظریه

این نظر قابل پذیرش نیست، زیرا:

اولا، قانون گذار تنها مورد صدور قرار سقوط دعوی را در بند (ج) ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م. بیان کرده است. برابر این بند، استرداد دعوی پس از ختم مذاکرات، ایقاع است و تنها به اراده خواهان واقع می شود. به نظر برخی حقوق دانان، این اقدام با صلح ممکن است خلط شود (نک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۹۴۸). درست است که رضای خواننده برای نفوذ اراده خواهان در پایان بخشیدن به دعوی ضرورت دارد، ولی این موضوع داخل در ماهیت عمل حقوقی استرداد نیست و تنها شرط تأثیر عملی است که به موجب اراده خواهان واقع شده است؛ زیرا مطابق عموماً، سقوط حق در قوانین ماهوی نیازی به تراضی ندارد و با اراده صاحب آن انجام می شود (ماده ۲۸۹ ق.م.). پس استرداد دعوی پس از مذاکرات طرفین تابع عقد صلح نیست و ایقاع می باشد (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۱۶).

دوم، به موجب ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م، قاضی پس از حصول سازش نمی تواند قرار سقوط دعوی را صادر کند. نظریه شماره ۷/۱۴۴۶ به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در تأیید این استدلال است: «پس از اعلام سازش طرفین، دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید و صدور قرار سقوط دعوی برخلاف موازین قانونی است» (به نقل از رحیمی اصفهانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۰).

سوم، از حیث آثار هم، صلح با استرداد دعوی تمایز دارد. استرداد دعوی ممکن است ناظر به سقوط کامل حق اقامه دعوی نباشد و تنها همان دعوی را از بین ببرد و مدعی، حق تجدید

دعوی را برای خود محفوظ دارد؛ در حالی که صلح، حق اقامه دعوی و اصل نزاع را از بین می برد و تمیز حق می دهد (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۱۶).
بنابراین، گزارش اصلاحی نمی تواند قرار سقوط دعوی محسوب شود و از اعتبار امر مختومه استفاده کند.^۱

۷. نظریه چهارم: گزارش اصلاحی - تصمیم حسبی

نظر دیگری گزارش اصلاحی را تصمیم حسبی می داند. در اینجا به تحلیل و بررسی این دیدگاه می پردازیم:

۷.۱. استدلال قائلان به تصمیم حسبی بودن گزارش اصلاحی

طرفداران این نظریه معتقدند تنظیم گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست و جنبه اداری دارد و در واقع دادگاه مانند سردفتر انجام وظیفه می کند، زیرا اختلافی را حل نکرده، بلکه اختلاف حل شده را گواهی می نماید. می توان گفت عمل دادگاه جنبه حسبی دارد، از این رو، قابل پژوهش و فرجام نیست (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ص ۵۹). نتیجه ای که می گیرند اینکه گزارش اصلاحی اعتبار امر مختومه را نیز نخواهد داشت. کد آیین دادرسی مدنی فرانسه ماده ۱۳۱ (اصلاحی ۲۰۱۰) به صراحت سند سازش را تصمیم حسبی می داند. در ماده ۱۳۱-۱۲ (اصلاحی ۲۰۱۲) همین کد، تصدیق توافقی پیشنهادی میانجی، مشمول امور حسبی است (ترجمه از محسنی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴-۱۲۱).

۷.۲. نقد نظریه

این نظر قابل پذیرش نیست، زیرا به موجب ماده ۱ قانون امور حسبی «امور حسبی اموری است که دادگاهها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده، تصمیمی اتخاذ نمایند، بدون اینکه رسیدگی به آن متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد». در حقوق ایران، هرگاه ماهیت امر درخواست شده ایجاب نماید که طرف مقابلی وجود نداشته و درعین حال، نظارت و مداخله قاضی لازم باشد، با امر حسبی روبرو خواهیم بود (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۵). هدف دادرسی در امور حسبی حفظ منافع عمومی و سرپرستی از اموال بدون صاحب است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱)؛ بنابراین، گزارش اصلاحی نمی تواند یک تصمیم حسبی

۱. البته اگر قائل به این نظر باشیم که قرار سقوط دعوی اعتبار امر مختومه دارد. چنانکه گفتیم در این باره اختلاف نظر میان حقوق دانان وجود دارد (نک: ابهری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۷).

شمرده شود، زیرا در بحث سازش حتماً باید «نزاع و اختلافی» میان «طرفین» وجود داشته باشد.

۸. دیدگاه برگزیده

به نظر نگارندگان این مقاله، در خصوص ماهیت گزارش اصلاحی نمی‌توان به‌طور مطلق از یکی از نظریات پیش‌گفته جانب‌داری کرد. سازش ناشی از گزارش اصلاحی در دو حالت کاملاً متفاوت می‌تواند صادر گردد که هر کدام آثار خاص خود را دارد:

۸.۱. حالت اول

پایان دادن به اختلاف می‌تواند به این صورت باشد که هریک از طرفین دعوی قسمتی از ادعای خود را نادیده گرفته، از دادگاه درخواست کند قراردادی را که بر این مبنا تنظیم نموده‌اند، «تثبیت» نماید. در این حالت، قاضی دادگاه موضوع سازش و شرایط آن را به ترتیبی که واقع شده است در صورت‌مجلس منعکس می‌کند و به امضای طرفین رسانده، خود نیز آن را امضا می‌نماید.

درخواست برای انجام سازش از دادگاه، قبل از اقامه دعوا نیز امکان‌پذیر است. در این حالت که دادگاه به دادن سند توافق اصحاب دعوی اکتفا می‌کند و رأیی واقعی صادر نمی‌کند، گزارش اصلاحی از خصوصیات اعمال قضاوتی برخوردار نیست؛ چراکه در این حالت نوعی «تثبیت قرارداد صلح» اصحاب دعواست.

سرانجام، در این حالت گزارش اصلاحی فاقد اعتبار امر قضاوت‌شده است و قابلیت تجدیدنظر و پیگیری از دیگر راه‌های شکایت را ندارد. اما چون قرارداد صلح می‌باشد، می‌تواند موضوع دعوای بطلان، فسخ و یا اقاله قرار گیرد (به استناد مواد ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۵ و ۷۶۷ ق.م.). حکم شماره ۳۱۱-۲۶/۱۳۲۶/شعبه سوم دیوان عالی کشور ناظر به همین قسم گزارش اصلاحی است: «در صورتی که اطراف دعوا قضیه را اصلاح کنند به موجب ماده ۶۲۷ ق.آ.د.م. (ماده ۱۸۱ فعلی) دادگاه مکلف است ختم دادرسی را در پرونده قید و گزارش اصلاحی آن را صادر کند و نباید دادخواست تصحیح نسبت به گزارش اصلاحی را قبول نماید؛ زیرا بر طبق ماده ۱۸۹ همان قانون (ماده ۳۰۹ فعلی) درخواست تصحیح راجع به احکام و قرارهای دادگاه است و شامل گزارش اصلاحی نمی‌شود».

۸.۲. حالت دوم

در این حالت، کیفیت توافق اصحاب دعوی به‌گونه‌ای است که دادگاه پس از احراز آن حکمی

واقعی صادر می‌کند که دارای اسباب موجهه، منطوق و نتیجه حکم است و این نظارت و تصمیم دادگاه به گزارش اصلاحی خصوصیتی قضاوتی می‌بخشد. در واقع در این حالت، دادرسی، قرارداد منعقد شده میان طرفین را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین عملی که دادگاه صادر می‌کند، حکم شمرده می‌شود و واجد آثار سایر احکام است (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۸).

گزارش اصلاحی در این حالت دارای اعتبار امر قضاوت شده بوده، قابل شکایت و اعتراض است. در حقوق فرانسه، این نوع گزارش اصلاحی چون اصحاب دعوی در أخذ آن به وجود اختلاف تظاهر کرده‌اند، به رأی حيله‌ای^۱ معروف است. این رأی، نظر به ویژگی قضاوتی خود، اعتبار امر مختومه را دارد و از قابلیت تجدیدنظر و پیگیری از دیگر راه‌های شکایت از آرا برخوردار می‌باشد و نمی‌تواند موضوع دعوای بطلان قرار گیرد (نک: شمس، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۶۸).

۹. نتیجه

قانون گذار یکی از اسباب زوال دادرسی را سازش طرفین دعوی با یکدیگر دانسته که به زعم همه حقوق دانان بهترین شکل فصل خصومت و احقاق حق است. یک ضرب‌المثل حقوقی می‌گوید: «یک سازش بد، بهتر از یک دادرسی خوب است»^۲؛ چراکه حلّ منازعه میان طرفین بر اثر دادرسی ممکن است دعوی را مختومه کند، ولی به خصومت پایان نخواهد داد، فقط دعوی خاتمه یافته و واجد امر مختومه شده است؛ در حالی که در سازش هم حل اختلاف میان طرفین انجام شده است و هم فصل خصومت و ایجاد فضای وداد و دوستی. آشکار است که چنین شکل حلّ اختلافی بهتر از طریق صدور حکم است که نتیجه آن قلب عنوان طرفین از خواهان و خوانده به محکوم^۳ و محکوم علیه است؛ در حالی که خصومت و اختلاف همچنان ممکن است پابرجا باشد.

در خصوص امکان تسری قاعده اعتبار امر قضاوت شده به گزارش اصلاحی، بسته به ماهیتی که برای گزارش اصلاحی انتخاب شود، نتیجه متفاوت است. عده‌ای ماهیت گزارش اصلاحی را عقد صلح می‌دانند، گروهی ماهیت آن را حکم، دسته‌ای قرار سقوط دعوی، و عده‌ای تصمیم حسبی می‌دانند. پذیرش مطلق هریک از این چهار نظر توالی فاسدی دربر دارد. به نظر نگارندگان این مقاله، باید میان دو شکل از گزارش اصلاحی تفکیک قائل شد: اگر گزارش اصلاحی صرف تثبیت توافق اصحاب دعوی باشد، رأی قضایی شمرده نمی‌شود و فقط آثار احکام را دارد؛ پس لازم نیست به شکل دادنامه تنظیم شود. چنین گزارشی از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست و فقط می‌تواند موضوع دعوای بطلان، فسخ یا اقاله (مطابق شرایط

1. jugement d'expédient.

2. A bad settlement is often better than a good lawsuit.

یادشده در قانون مدنی، باب صلح) قرار گیرد. اگر گزارش اصلاحی به گونه‌ای صادر شود که دادرس پس از احراز آن، حکمی واقعی صادر کند که حاوی مقدمه، اسباب موجهه و منطق باشد، حکم شمرده می‌شود و مانند دیگر احکام از اعتبار امر مختومه برخوردار است.

منابع و مأخذ

۱. ابهری، حمید (۱۳۹۱). آیین دادرسی مدنی (۲). جریان دادرسی از آغاز تا پایان، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ اول.
۲. ابهری، حمید (۱۳۹۱). تقریرات آیین دادرسی مدنی تطبیقی. مقطع دکتری حقوق خصوصی، بابلسر: دانشکده حقوق دانشگاه مازندران.
۳. اسدی، لیلیا و شکری، فریده (۱۳۹۱). درسنامه آیین دادرسی مدنی ویژه امور و دعوی خانوادگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۴. افتخار جهرمی، گودرز و شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۳). "بررسی قاعده استایل در حقوق انگلیس و آمریکا". مجله حقوقی، شماره سی‌ام، بهار، ص ۷۳-۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰). حقوق مدنی. رهن و صلح، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). دانشنامه حقوقی. جلد پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، چاپ هشتم.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد چهارم، تهران: گنج دانش، چاپ سوم.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). مجموعه محشی قانون مدنی. تهران: گنج دانش، چاپ سوم.
۱۰. حسینی، محمدرضا (۱۳۸۹). یادداشت‌های محکمه. دفتر اول، تهران: مجد، چاپ دوم.
۱۱. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی (۲) و (۳). تهران: میزان، چاپ اول.
۱۲. خلعتبری، ارسلان (۱۳۵۰). "اعتبار امر مختومه قضائی". مجله حقوق مردم، زمستان، شماره ۲۶، ص ۷-۴.
۱۳. رحیمی اصفهانی، عباسعلی (۱۳۸۴). مجموعه آیین دادرسی مدنی. جلد اول، تهران: انتشارات معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ هفتم.
۱۴. زراعت، عباس (۱۳۸۵). قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران. تهران: نشر خط سوم، چاپ سوم.
۱۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی. جلد سوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ پنجم.
۱۶. شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی. جلد دوم، تهران: انتشارات دراک، چاپ شانزدهم.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. جلد چهارم (دوره پانزده جلدی)، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۱۸. صدرزاده افشار، محسن (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، چاپ ششم.
۱۹. ضیاء، کیوان (۱۳۸۵). قانون آیین دادرسی مدنی در قلمرو قضایی ایران. مشهد: انتشارات ضیاء، چاپ دوم.
۲۰. عاملی، جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط. الحدیثه). جلد هفدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۱. غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی فراملی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). عقود معین (جلد دوم) حقوق مدنی. مشارکت‌ها- صلح، تهران: گنج دانش، چاپ ششم.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). اعتبار امر قضاوت‌شده در دعوی مدنی. تهران: میزان، چاپ هفتم.
۲۴. متین دفتری، احمد (۱۳۸۱). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. جلد اول، تهران: مجد، چاپ دوم.
۲۵. محسنی، حسن (۱۳۹۱). آیین دادرسی مدنی فرانسه. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
۲۶. محسنی، حسن (۱۳۹۱). مفهوم مرجع قضایی. در: ارج‌نامه دکتر الماسی (مجموعه مقالات اهدایی به دکتر نجادعلی الماسی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۲۷. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام. جلد دوم، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۸. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۷۸). رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی. جلد سوم (جلد ۲۳ مسلسل)، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۲۹. مهاجری، علی (۱۳۸۷). مبسوط در آیین دادرسی مدنی. جلد دوم، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ اول.
۳۰. مهاجری، علی (۱۳۹۱). قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم.